صدراعظم او د نوی کابینی غړو د لوړی مراسم تر سره کړل

د لوړی مراسم اتحاد اسلامی پوری اړوند د غلام حیدر خان په کلاکی تر سره شول

(۷)مخ

هفته نامهء
اتحاد اسلامی
بیانگر آرمان اتحاد اسلامی افغانستان

در حادثهء انفجار موتر حامل مهمات

سردار دلیر سپاه اسلام حاجی محمد نذیر قوماندان لوای توحید همراه با ۳۲ تن از یاران همسنگرش به شهادت رسید.

(إنالله وإنا إليه راجعون)

PROPERTY OF ACKU

ص(۸)

نخستین گروه از مهاجرین مسلمان بوسنیا وارد پاکستان شدند

نخستین گروه از مهاجرین بوسنیایی که قبلاً در کمپ های آوارگان در کروشیا زندگی میکردند توسط طیاره وارد پاکستان شدند. هنگامیکه طیارهء ایر فرانس که توسط حکومت پاکستان برای این منظور به کرایه گرفته شده بود در میدان هوائی اسلام آباد برزمین نشست، آواره گان مذکور توسط بعضی از مقامات پاکستانی مورد استقبال قرار گرفتند.

مهاجرین هنگام پیاده شدن به میدان هوائی اسلام آباد میگریستند و اطفال آنان وحشت زده بودند.

ص(۸)

شمارهء مسلسل «۲۹۵» سال نهم شمارهء «۵۵» یکشنبه (۳۰) جوزای ۱۳۷۲ هـ ش اول محرم ۱٤١٤هـ ق (۲۰)جون۱۹۹۳م

(قیمت فی شماره یك کلدار یا پنجاه افغانی)

بسم الله الرحمن الرحیم

سرمقاله

نقش رهبر اتحاد در کوششهای صلح و خنثی کردن دسائس

از هنگامیکه جهاد علیه حکومت کمونستی دست نشاندهء ماسکو در افغانستان آغاز گردید ، بدبختانه دو پدیده همواره در تعقیب این جهاد بوده و پیوسته خساره های جبران نا پذیری به آن وارد کرده است و این دو پدیده عبارتند از :

۱- اختلاف

۲- توطئه ها و مداخلات خارجی .

متاسفانه آنعده از رهبران و موسسان جنبش واحد اسلامی افغانستان که از چنگ رژیم داود فرار کرده به کشور همسایه پاکستان پناهنده شده بودند ، نتوانستند وحدت جنبش را حفظ کنند ودر نتیجهء اختلافات ایشان جنبش دو پارچه شد و این درز در جنبش تاثیر ناگواری برجهاد مبارکی که ملت مومن افغان تحت قیادت جنبش اسلامی آغاز کرده بود ، گذاشت تا آنجا که کار به بر خوردهای مسلحانه در بعضی جبهات کشید و هر چه این اختلافات وسیع ترگردید این تاثیر ناگوار تر شد و از آنجائیکه قیام مردم افغانستان صد فیصد صبغهء اسلامی داشت و هدف اعلان شدهء آن اقامهء حکومت اسلامی بود ، لذا دنیای کفر واستعمار از همان صبحگاه آغاز جهاد به دسیسه و مداخله در آن دست یازید و همهء تلاش خودرا در جهت ادامه و گسترش اختلافات در بین تنظیمهای اصیل جهادی که اعضای از هم جدا شدهٔ تحریك اسلامی افغانستان بودند ،مرکوز کرد .

بمیان آوردن گروه های وابسته نیز جزئی از این تلاشها و بخشی ازین دسائس بود تا ساحهء اختلاف وسیع تر شود و در صفوف مجاهدین تشتت و پراگندگی بیشتر واقع گردد و عوامل دشمنان دین ووطن در صفوف جابجا شوند و بالآخره جهاد از مسیر خود انحراف کند و انقلاب اسلامی به سر منزل مقصود خویش که تشکیل حکومت اسلامی است نرسد .

این تلاشها تا سرنگونی حکومت نجیب ادامه یافت و هنوزهم ادامه دارد اما بشکل دیگریٔ لیکن هدف همانست که بود :

جلوگیری از استقرار حکومت اسلامی در کشور بخون آغشتهء ما .

درین میان بودند برخی از فرزندان داخلی و خارجی جنبش اسلامی که قضایا را با دید عمیق و صائب بررسی میکردند و ابعاد توطئه هارا درك می نمودند و باهمهء توان با دسیسه ها مخالفت و مقاومت می نمودند و همهء سعی و کوشش خودرا در جهت توحید صفوف و خنثی کردن دسائس بکار می بردند .

استاد عبد رب الرسول سیاف امیر اتحاد اسلامی رامیتوان ازاین جمله بشمار آورد،زیرا مساعی خستگی ناپذیر وی برای وحدت صفوف مجاهدین و موقف گیری های قاطع و آشتی ناپذیرش در برابر دسیسه ها و فتنه ها و

ص(۸)

مونږ تاسوته اطمینان درکوو چی جهادی کاروان به ددغو شهیدانو د وینو په برکت مخ په وړاندی درومی او دوینو دغه سیلاب به دکفر او کمونیزم بقایاوی د تل لپاره د خپل مخ څخه لری کوی.

پوهاند سیاف د شهید حاجی نذیر دفاتحی په غونډه کښی :

* مونږ باوری استاد لرو چی د کابل د دردوونکو پیښو ترشا بهرنی لاسونه په فعالیت بوخت دی .

* دربری او پکول برکت دی چی روسیه یی دړی وړی او د لنین مجسمی رانسکوری شوی

کابل دجون ۱۵مه:

د اتحاد اسلامی دجریدی خبریال:

د کابل ورروستی دردوونکی پیښی چی داسلام او جهاد د معلوم الحاله دښمنانو له خوا جریان لری د کومو په نتیجه کی چی زمونږ مظلوم ښاریان په اور او باروتو ، بدبختیو او خواریو او د فقراو بی امنیتی خواشینی کوونکی مصیبت کښی اچولی ، مونږ سخت متاثر او خواشینی کړی یو.

پورتنی مطلب د اتحاد اسلامی مجاهد امیر پوهاند سیاف پرون ورځ د شهید حاجی نذیراو دهغه د۳۱ تنو ملگرو د شهادت له امله د وزیر اکبر خان مینی په جامع جومات دجوړی شوی درندی غونډی برخه والوته په خطاب کی وویل .

ده زیاته کړه :

مونږ نه غواړو چی له ځان څخه دفاع وکړو او یا دتبرئی دلایل وړاندی کړو ځکه مونږانسانان یو او له مونږ څخه به ضرور غلطی او سهوی شوی وی ، مگر دیوه منلی حقیقت په توگه په صراحت سره وایم چی روان جنگونه نوی ۹۰ په سلو ۱۰۰ کی د اسلام ددښمنانواو پردیو اجنتهانو له خوا رهبری او په دی مظلوم ملت تحمیل کیږی اومونږ پدی رابطه باوری استاد په لاس کی لرو چی تاریخ ورباندی گواه دی او مونږ به ئی په مناسب وخت کی خپل ولس ته وښیو .

داتحاد اسلامی مشر وویل :

نن په ډبره او پکول باندی ملنډی وهل کیږی مگر زه په افتخار سره وایم چی د همدی ډبرو او پکولونو برکت ؤ چی روسیه دړی وړی شوه . د کرملین کنگری ماتی شوی د لنین مجسمی رانسکوری شوی او د برلین دیوال راچپه او دواړه آلمانونه سره یو شول.

هغه زیاته کړه : زمونږ کړېدلی ولس په یاد لری چی د تره کی په وخت کی به د (اکسا) اجنتهانو د B.B.C په اوریدو او گوندی مارشونو کی په چکچکی نه کولو په سلگونو خلك اعدامول او په زرگونو نوربی د تورو تنبو ترشا اچول چه تر ننه ئی میرمنی او بچیان په انتظار ناست دی .

(۸) مخ

بازیگران کوچك و بازیگران بزرگ

بازیگران بزرگ که از دورتماشاگر بازیهای بازیگران کوچك و شاهد تطبیق مفت و بدون مصرف پلانهای شان توسط این بازیگران کوچك و حقیر هستند

از زمانیکه حکومت کمونستی نجیب سقوط کرد ، بازیهای سیاسی و نظامی خطرناکی در کشور بخون آغشته وویران ما آغاز گردید .

این بازیها اشکال و گونه های مختلف دارد واز طرف اشخاص و احزاب و دولتهای متعددی براه انداخته شده است .

بازیگران این بازیهای خونین ووحشتناك بدو دسته تقسیم می شوند : بازیگران کوچك و بازیگران بزرگ .

بازیگران کوچك دارای عقلهای کوچك و اهداف کوچکتر و دیدها و اندیشه های کوچك تر و حقیر ترازعقلهای ضعیف و سخیف خود هستند .

اینها با آنکه ازاسلام می لافند و از مصلحت ملت و کشور، نه پروای اسلام را دارند و نه پروای ملت را ، نه پروای زیر پاشدن خون شهدا را دارند و نه پروای از دست رفتن ثمرات جهاد خونبار وانقلاب اسلامی فخر آفرین ملت قهرمان مارا.

اینهاازین بازی خطرناك فقط و فقط یك هدف را دنبال می کنند و آن عبارتست از رسیدن بقدرت و میخواهند بهر قیمت ممکن این بازی را ببرند و لو بقیمت روان شدن دریا های خون و کشته شدن هزاران مسلمان ... ولو بقیمت ویران شدن هزاران خانه ...ولو بقیمت بدنام شدن جهاد و مجاهدین... ولو بقیمت تضعیف نیروهای جهادی وقوت یافتن نیروهای غیراسلامی باشد...

این بازیگران برای بردن بازی های خونین و غیر اسلامی و غیر انسانی خویش به هر حربه متوسل می شوند و با هر دشمن داخلی و خارجی طرح دوستی می ریزند و خلاصه روش همان شخصیت غیر اسلامی یکی از کشور های همسایه را اختیار کرده اند که زمانی گفته بود : حاضرم علیه فلان حتی با شیطان نیز ائتلاف نمایم !

و اما بازیگران بزرگ که از دورتماشاگر بازیهای بازیگران کوچك و شاهد تطبیق مفت و بدون مصرف پلانهای شان توسط این بازیگران کوچك و حقیر هستند ، سرشار از ... فتح و پیروزی به کوتاهی عقل و درازی آمال اینها می خندند و سخت خوشحالی می کنند .

این ها پلانهای طویل المدت و قصیر المدت برای خلع سلاح مجاهدین داشتند و مصارف زیادی را برای این کار در نظر گرفته بودند و راههای مختلفی را جستجو می کردند ولی اینك از برکت بازیهای خونبار وویرانگرانهء این بازیگران کوچك ، پلانهای طویل المدت و قصیرالمدت ایشان به اقصرالمدت تبدیل شده و بدون هیچ مصرفی به سرعت در صحنهء عمل پیاده می شود !!

ایشان برای بدنام ساختن اسلام وجهاد وبی اعتبار کردن مجاهدین اندیشه ها کردند و پلانها سنجیدند ، امااینك مشاهده می کنند که اینهمه به اندیشه وفکر ضرورت ندارد و بازیگران کوچك کوتاه فکر همهء این خواسته های آنها را متحقق می سازند بلکه ساخته اند !!

و .... بازیگران کوچك به چیزهای بسیار کوچك فکر می کنند .... رسیدن به قدرت برای چند روز و حکومت کردن بر چند کیلو متر محدود....زیرا با وضعی که ایشان بوجود آورده اند وجوعدم اعتمادی که ایجاد کرده اند حکومت کردن هر یك به سرتاسر افغانستان مشکل بنظر می رسد ... و بازیگران بزرگ به چیزهای بزرگ می اندیشند و اهداف وسیع و گسترده دارند ... ایشان بفکر نابود ساختن اسلام در همهء جهان هستند و درین امر به افغانستان اولویت قائل اند زیرا از نیروی رزمی و عشق مفرط مردم آن به اسلام با خبراند و آنرا خطر جدی برای خود می دانند و مضاف بر آن این کشور انباشته ازاسلحهء مدرن و متنوع است ... و استقرار اوضاع در آن باعث مسلح شدن و تربیت نظامی همهء مسلمانان جهان که برای اقامهء حکومت اسلامی در کشورهای شان تلاش می کنند ، می گرد د ..

آیا بازیگران کوچگ زمانی با رستن از قید خود خواهی های خویش می توانند این حقائق را درك نمایند و یا همچنان در لجنزار نفسهای مغرور و سرکش خود پای بگل خواهند ماند ؟!!

شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه ۸۳٦ خود به محاصرهء مسلمانان در بوسنیا هرزگوینا جنبهء قانونی بخشید

علی الرغم تلاشهای قوای صلح ملل متحد جنگ همچنان در بوسنیا هرزگوینا ادامه دارد ، صربها بر روستا های اطراف سارایو و شهر گراژده حملات وسیعی را براه انداخته این روستا هارا یکی پی دیگر به تصرف خود در آورده ساکنین مسلمان آنرا اگر موفق بفرار نشوند یا بقتل میرسانند و یا باسارت میگیرند و منازل شانرا آتش میزنند.

در حال حاضر این دو شهر در محاصرهء کامل صربها قرار داشته انتقال مواد ضروری از طریق راه های زمینی میسر نیست ، مواد تنها از راه هوا بوسیلهء طیارات ملل متحد انتقال مییابد که آنهم در اثر حملات موشکی صربها بر میدانهای هوایی این دو شهر از چند روز باینطرف متوقف گردیده است و ازکمبود غذا و دوا روزانه صدها نفر زند گی خودرا از دست میدهند .

شورای امنیت ملل متحد اخیرا طی صدور قطعنامهء شماره ۸۳٦ خود شش منطقهء مسلمان نشین را که عبارتند از (سرایو ، سربرژینسکا ، گراژده، بیهاج ، توز لاء و ژیفا) بحیث مناطق امن اعلام نموده و طبق مفاد این قطعنامه قوای حافظ صلح ملل متحد درین مناطق مستقر خواهند شد و حمایت یك ملیون مسلمان را بعهده خواهند گرفت و در صورتیکه این مناطق مورد تجاوز قرار گیرند سربازان حافظ صلح مجاز خواهند بود که با استفاده از قوه بدفع متجاوزین اقدام نمایند و همچنان تجاوز هوایی نیز توسط جنگنده های نیروهای چند ملیتی سرکوب خواهد شد. گرچه درین قطعنامه از حق حاکمیت مسلمانان درین کشور بکلی چشم پوشی بعمل آمده ، برای پایان دادن به تسلط صربها بر بیش از هفتاد فیصد از خاك بوسنیا هرزگوینا راه حلی در نظر گرفته نشده و قیودیکه برای انتقال سلاح به بوسنیا از طرف ملل متحد وضع گردیده بود رفع نشده و بصورت کل این قطعنامه بضرر مسلمانان بوده وحاکمیت صربها را برین کشور تضیمن مینماید با آنهم تا اکنون اقدام موثری در اجرای آن بعمل نیامده و چنین بنظر میرسد که اقداماتیکه از طرف کشورهای غربی بطور مستقیم ویا از طریق ملل متحد تا اکنون در رابطه با قضیهء بوسنیا هرزگوینا صورت گرفته هدف از آن اغفال مسلمانان بوده تا آنکه صربها فرصت بیشتری برای پیاده کردن برنامه های خود داشته باشند

امروز همه میدانند که برای صربها روسیهٔ و اسرائیل اسلحه تهیه میکنند و کاتولیکهای اروپا و امریکا ملیونها دالر کمك مالی در اختیار ایشان قرار میدهند .

ولی کشورهای اسلامی منتظر اند که امیرکا درین مورد چه میفرماید و یا ملل متحد چه تصمیم عادلانه ای (!) اتخاذ مینماید.

کمیسیون امور خارجی جامعهء اروپا جامعهء بین المللی را به اتخاذ سیاست مسالمت آمیز در برابر صربها متهم نموده علاوه نمود که این جامعه با عدم تمایل بمداخلهء نظامی صربها را به ادامهء تجاوز تشویق میکند نمایندهء دایمی بوسنیا هرزگوینا در ص(۵)

افغانستان ووداع با فرهنگ غرب

زن مسلمان با رعایت حجاب اسلامیء محرومیتی را به استعمار تحمیل می کند و به همین علت استعمار بیشترین دشمنی را با حجاب زنان در جوامع اسلامی دارد.

وقتی به تاریخ افغانستان بخصوص در قرن اخیر نظر می افگنیم می بینیم که مردم مسلمان این سرزمین دهها سال را تحت سلطهء پادشاهان و حکام ظالم وخود کامه و بخصوص چهارده سال اخیر آنرا تحت تسلط نظام الحادی و ضد اسلامی کمونستی بسر آورده اند .

سلطهء دیر پای این وضع ناهنجار، تاثیرات منفی خودرا بر اندیشه ، اخلاق و فرهنگ جامعه تحمیل کرده است. فرهنگ مبتذل غربی که رژیم های فاسد گذشته در افغانستان مشوق ومروج آن بودند، در حقیقت تلاشی برای تباهی نسل جوان افغان بود. فساد، وفحشا ترویج و تشویق میشد تا نسل جوان تا آنجا که ممکن است نسبت به اسلام و ارزش های اسلامی بی اعتقاد و بیگانه بار آیند. در نصاب تعلیمی مکاتب مضامین مربوط به احکام و عقاید اسلامی روز بروز کاهش می یافت. بعبارهء دیگر رژیم های ضد مردمی در افغانستان بیش از پنجاه سال برای تهاجم کمونیزم بر افغانستان از نظر فکری زمینه سازی کردند، البته نمیتوان بصورت قطعی حکم کرد که چنین زمینه سازی عملی قصدی و عمدی بود ولی همینکه تلاش ها در جهت بی عقیده بار آمدن نسل جوان متمرکز گردیده بود خود موجب آن گردید که کمونیزم خلای فکری یی را که بوجودء آمده بود پر کند و به این ترتیب احزاب کمونستی در افغنستان امکان بوجود آمدن یافتند .

تلاش در جهت از میان برداشتن ارزش های اسلامی از جامعهء ما ، جزئی ازتلاش عمومی یهود و نصارا علیه اسلام بوده و هست زیرا استعمار میداند تا آنگاه که مسلمانان بر دین و اعتقادات خویش پایدار و استوار اند امکان تسلط بر آنان وجود ندارد ولی وقتی یك جامعهء اسلامی ارزش های اصیل دینی خویش را میگذارد و به ارزش های غربی رو می آورد درحقیقت آن کشور یا آن جامعه از نظر فکری بوسیله ء استعمار غرب تسخیر شده است وقتی یك جامعه از نظر فکری خلع سلاح شد آنوقت چنان جامعه ئی بسهولت بشکل یك بازار پر منفعت برای امتعهء غربی در میآید. یکی از ابزاری که استعمار غرب برای نفوذ بر جوامع اسلامی از آن بهره میگیرد، شعار ص(۵)

د نړۍ په اوسني اوضاع یو ځغلند نظر

د نړی په سطح نوی خطری او نوی بحرانونه مخ په زیږیدودی د کمونستی امپریالزم له پای ته رسیدونه وروسته ټولو نړیوالو د سوکاله ژوند په هیله د نوی افقونو په لورسترګی خښی کړی وی داسی سنکاریده چی سنایی نور د سیاسی بحرانونو دوران پای ته ورسیږی او هری خواته د امن او سولی نوی دوران پیل شی ، مګر وروستنی حالاتو دا وښوده چی کاذب امیدونه په نا امیدی بدلیږی نړیوالو ولیده چی نړی یو ځل بیا د امریکا د نیو ورلډ آردرthe new world order یعنی د نوی نړیوال نظام مطرح کولو په وړاندی له نوی نړیوال بحرانونو سره مخامخ ده اوس حالات داسی ښیی چی سیاسی تضادونه راولاړیږی ، په سیاسی او اقتصادی لحاظ ایشیا ، افریقا او اروپا یوه داسی لوری او جهت په طرف مخ په وړاندی ځی چی د غربی هیوادو ، چین او روسیی د ګټو اور به هغوی په ځان کی ونغاړی.

دایهز وهلی امریکا سیاسی او اقتصادی پراختیا غوستنی جنون دا سوال پیدا کوی چی ایا امریکا به وکولای شی چی خپل نوی نظام پر ټوله نړی مسلط کړی او ایا ټوله نړی به د ا نظام ومنی ، هغه خلك چی دتاریخ په جریان او روانی مزاج پوهیږی په دی حقیقت هم پوهیږی چی هر عمل عکس العمل لری چی ددی اصل له مخی همدا اوس د امریکا ددی عمل په وړاندی عکس العمل څه چی عکس العملونه پیل شوی دی ، دا بیله خبره ده چی د طاقت او زبر ځواکی په هجوم او غرورکی دا عکس العملوځوك احساس نشی کړای . ..

له عدم نه وجود ته د راتلو پروسه او یا په ظاهره کی نا ممکن ، ممکن کیدل یوی اوږدی زمانی ته ضرورت لری ، بلکی کله کله داسی د چوپ او چوپتیا په فضا کی سرته رسیږی چی د هغه اټکلول بیخی ممکن نه وی د مثال په ډول دا دومره لری خبره نه ده ، هغه پټ عوامل چی د روسی کمونستی امپریالیزم پر ضدیکار کاوه ، په هغو باندی نه غربی نړی پوهیده او نه امریکا ، تردی چی په خپله روسیه هم نه پوهیده چی د تباهی په کوم تونل کی سفر کوی ؟! موږ او تاسی وینو چی اوس د ځان د بقا لپاره څومره مضطرب دی ، دا چی د امریکا سیاسی ، اقتصادی او اجتماعی بحران به هغه کوم خواته وړی تراوسه پوری په دی حقیقت باندی د پوهیدلو جریان نه دی پیل شوی کله چی د حقایقو درابرسیره کیدلو لړی پیل شی ، نو ټول نړیوال به هك حیران شی چی دا دومره لوی دیو څنګه په پښولویدلی ؟

نن څه په افغانستان کی کیږی ، دا دوینی او اورلوبه چی په بوسنیا کی پیل کړای شوی ، ، په لیبیا او الجزایر کی چی کوم اوربل شوی ، په خلیج کی چی کومه لاواد چاودیدو په حال کی ده او کومی پسپسکی چی د همالیی غره په لمنوکی یو بل ته کیږی دا ټول ، نوی خطروته اشاره کوی .

امریکا چی نن د هغه آتومی طاقت د ایډز بی درمانه ناروغی تر سوال لاندی نیولی نن سبا د ګڼوټولینزو ستونزو سره مخ ده ، برسیره پردی د هغی د بودجی خساره او نقصان د امریکایانو خوشحالی په پریشانی بدلوی ، لنډه دا چی د امریکا امپریالیزم پر خلاف سیمه ایزی جګړی د پیل کیدلو په حال کی دی ، په دغسی شرایطو کی به امریکا څنګه په دی بریالی شی چی پر ټوله نړی کنترول ولری ... او بیا هغه هم په داسی حال کی چی په آسیا کی یونوی زبر ځواك درابرسیره کیدلو په حال کی دی ...

افغانستان په خپل اور کی په خپله سوځی ، همدغسی باید شوی وای ، ځکه چی ددی کار لپاره په جینوا کی مستقل ستیج جوړ شوی و ، هلته د اسلامی انقلاب پر خلاف سازشونه او جوړ جاړی کیدی ، هره اسلام دښمنه ډله په افغانستان کی داختلافاتو اور په بلولوکی ځان ته برخه لرله اوس هره ډله له خپل اورسره افغانستان ته راځی ... اوس هغه اور چی داسلام دښمنانو یی توقع درلود په افغانستان کی بل شوی دی ، افغانان یو د بل پر ضد په مورچوکی دی یو د بل وینی تویوی هر مجاهد لیډر ځان ته پاخه دلایل لری ، توجیهات لری ، منطق لری ، ټول پر خپلو مواضعو او مواقفو ټینګ ولاړدی او داسی انګیری چی سمه لاره یی غوره کړی او داسلام ښه خدمت کوی !!!

هغه څه چی د روسانو دماتی په برخه کی په افغانستان کی وشو د منلوړنه و دافغانستان مجاهدین د تاریخ له دی ستری پیښی سره پر ټوله نړی خپل رعب وشورځاوه ، پر خلکو پر حکومتونو او پر لویو لویو استعماری طاقتونو باندی ... زبر ځواکونو یقین نه کاوه چی ولی دومره ژر په افغانستان کی داسی ستر بدلون راغی تردی وروسته د زبر ځواکونو د قدرت پر بر جونو زلزلی ګډی شوی اوله دوی څخه له هره یوه سره دا فکر پیدا شو چی که افغانان په فکری او اعتقادی لحاظ د جنګ له لاری په دی جنګ کی بری ترلاسه کړی ، نو زموږ د مرګ شپی ډیری رالنډیږی، نو ښه داده چی د اعتقادی او نظامی بری مخه یی ونیول شی ځکه که چیری افغانانو ته فکری نظامی بری په برخه شوه نو هیڅ استعماری طاقت ددوی له وروستی هلوځلو نه محفوظ نشی پاتی

(۷) مخ

از دفتر جنایات حزب وحدت

اختطاف دختران جوان

گروهك مزدور وحدت که اکثریت تفنگدران آنرا کمونستها و ملیشه های پیشین وابسته به کشتمند تشکیل می دهد از زمان سرنگونی حکومت کمونستی نجیب تا حال لحظه یی از ماجرا جویی و جنایت علیه مردم مسلمان و مظلوم کابل باز نایستاده است .

اینَ گروهك مزدور همه روزه به اشارهء اربابان خارجی خویش به جنگ تازه یی دست می زند و جنایت تازه یی می آفریند .

این گروهك جنایتکار از یکسو می خواهد انتقام سقوط حکومت کمونستی را از مردم مظلوم کابل بگیرد و از سوی دیگر می کوشد با ارتکاب جنایات تکان دهنده ، عقده هایی را که اربابان ایرانی آن از ملت مبارز و سر بلند ما در دل دارند ، تسکین بخشد .

جنایات سنگین و ننگین و نابخشودنی حزب وحدت بحدی زیاد است و بحدی تکرار شده وعلنی گردیده است که در شهر کابل زبان به زبان می گردد و حتی در خارج کابل ودر محیط هجرت نیز سرایت کرده است و مسافرانی که از کابل می آیند هر یك داستانهایی دارند از جرائم وحشتناك و جنایات شیطانی این گروه.

کوبیدن میخ بر سر و چشم و اعضای حساس اسیران ، زنده پوست کردن ، بریدن گوش و بینی و خلاصه صدها جنایت دیگر این شیاطین را مردم ستم رسیدهء کابل خبر دارند و حکایت آن بر سر زبانهاست و با بر شمردن هر یك از آنها مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد و ما در موقع مناسب پرده از روی هر یك از این جنایات بر خواهیم گرفت اما در این مقاله از تکان دهنده ترین و غیر انسانی ترین جنایت گروهك وحدت یاد آور می شویم که مو را بر اندام انسان راست می سازد .

یکی از کسانی که در جنگهای حزب و دولت در منطقهء افشار و سیلو حضور داشته و شاهد شکست حزب وحدت و اشغال ساحهء وسیعی از مناطق تحت کنترول آن توسط نیروهای دولتی بوده است ،حکایت می کند که در جریان پاکسازی این مناطق ، نیروهای دولتی از مراکز حزب وحدت ، تعداد زیادی از دختران جوان را یافتند که آن جنایتکاران از خانه هائیکه مربوط به مردم شمالی بود و در نزدیك مناطق نفوذ ایشان قرار داشت ، اختطاف کرده و به مراکز خود تقسیم کرده بودند و از وجود آنها برای اشباع غرائز تفنگداران شیطان صفت خویش استفاده می نمودند .

زمانیکه نیروهای دولتی این دوشیزگان مظلوم را از چنگ عفریتهای حزب وحدت نجات دادند ، به ایشان گفتند که آدرسهای خویش را بگوئید تا شمارا به خانه های تان برسانیم .

اما آنها زار زار می گریستند و می گفتند بهتر است مارا بکشید زیراما دیگر نمیتوانیم به خانه های خود بر گردیم و با خانواده های خویش روبرو شویم !

آری ! چنین می کنند ملیشه های خون آشام و جانی حزب وحدت با دوشیزگان پاکدامن و معصومی که ناموس این ملت اند ولی چه جای تعجب است زیرا اینها کمونستهای جنایتکاری هستند که مدت چهارده سال علیه این ملت دست به جنایت زده اند و بعداز سقوط حکومت کمونستی رهبر شان کشتمند ایشان را در آغوش ایران انداخت تا با آموختن تجارب جدیدی از جنایت و افزودن آن به تجارب سابق به جرایم و جنایات بیشتری دست بزنند و بدینگونه عقده های خود و اربابان ایرانی شان را تسکین بخشند !!

د حزب وحدت اصلي څيره !

د ترور ، وحشت ، ظلم زور، لوټ مار ، ویری اچونی او مسلمان وژنی کوم بازار چی نن سبا دحزب وحدت شیعه ګانو په افغانستان کی تودکړی او دملکوك الطوایفی کوم سلطنت ئی جوړ کړی مثال ئی شاید په انسانی تاریخ کی ډیر لږ تر سترګو شی.

د هلاکو او چنګیز یانو ظلمونه او قتلونه که څه هم مشهور دی خو هغوی هم انسانانو د تعذیب او شکنجی لپاره کومی ځانګړی طریقی نه وی ټاکلی بس خو چی کوم ځای او په چا به ورغلل وهل اووژل به ئی نه ئی د چاپه سرونو میخونه ټك وهل او نه ئی په بیا تیزاب وراړول .

فرعون (نعوذ بالله) د خدائی دعوه کړی وه د حق پلویانو اوخپلو مخالفینو ته به ئی سختی سزاګانی ورکولی ، هغه به هم په خلکو میخونه وهل خو په سرونو ئی نه بلکی د بدن په نورو اعضاو . او دحق پرستو مسلمانانو یو لاس او یوه پښه به ئی هم غوڅوله ، مګر د شلمی پیړی دی فرعونیانو په هغه پخوانی فرعون هم په ظلم ، ناروا ، بربریت او سزاکی پښه وراړولی ده . د زور زیاتی او وژنی په نورو لارو او حقایقو برسیره دغوظالمانو دوه داسی ځانګړی طریقی غوره کړی چی په ذکر کو لو سره ئی سړی وهم نیسی له دغی دوه طریقو څخه یوه هم د مظلوم قیدی مسلمان پر سر باندی دهغه دعمر په تناسب د میخ ټك وهل او کوبل دی او بله ئی په تیزابو سوزول دی .

دحزب وحدت باندو دغه تروزیستان چی د خارجی شیعه ګانو جیره خواره اوګوډاګیان دی او په داخل کی محض انارشی او ګډوډی رامنځ ته کول غواړی کله چی مسلمانان په لویو لارو یا په کوم کلی او باندې کی ددوی په حلقه کی راګیر شی نو اول ورنه پوښتنه کوی چی څوك یاست ؟ دلته د پوښتنی نه ددوی مقصد ژبه او منطقه نه وی ځکه ژبه ، ملیت او منطقه ددوی په وړاندی مطرح نه ده بلکی کوم شی چی دوی ته مطرح دی او ډیر ارزښت ورته قایل دی هغه د شیعه اوسنی موضوع ده نوکه ددوی په پنجو کی قیدی انسانان ددوی هم عقیده و و یعنی شیعه ګان وو بیا خو ورته هیڅ ډول سزا اوزجر نشته او که بندیانو عاجزانو وویل چی دروغ نه شو ویلای مونږ خو د سنی عقیدی خاوندان یو بیانو ددغو ظالمانو د بی رحمه پنجونه د ژوندی خلاصون او نجات لار موندل ناشونی کار دی رائی ولی میخونه او د تیزابو ډك کړی خوم ورته وښیی اوورته ووائی چی کوم ډول مرګ دی خوښ دی په میخونو او که په تیزابو ؟ دجلادانو په دام کی نښتی مرغی څه

(۷) مخ

تحریك اسلامی و وسوسهء کودتا

وحید(مژده)

تذکر:
این سلسله مقالات منعکس کنندهء نظر آزاد یك نویسنده است که از زاویهء خاص مسائلی را در رابطه با تحریك اسلامی و نیز بخشی ازعملکرد های بعضی از تنظیم های جهادی، مورد بررسی قرار داده است و ما بخاطر احترام به آزادی فکر و بیان، آنرا به نشر می سپاریم.
موافقت جریدهء اتحاد اسلامی با مطالب مطرح شده درین مقاله شرط نیست.

آغاز سخن

وقتی قلمی در کندو کاو وقایع گذشته به چرخش درمیآید . بخصوص اگر این جستجو شامل جریانات و حوادثی باشد که دیگران - قهرمانان جان بدر برده از آن حوادث - به نوشتن وحتی بزبان آوردن آن کمتر تمایل دارند ، میتوان گفت کار دشواری آغاز شده است .

در مورد آنچه به وقایع و جریانات تحریك اسلامی در افغانستان رابطه می گیرد دیدگاهها از هم متفاوت است . فاصله میان آراء و عقاید زمانی نزدیکترمیشود که مسائل در معرض ارزیابی آزاد آراء وعقاید مختلف قرار گیرد. درنتیجهء چنین بر خورد میان نظرات مختلف است که فرصت وامکان روشن شدن بیشتر قضایا فراهم می آید و اشتباهات گذشته نشاندهی میشود .

کندو کاو این قلم درین زمینه تلاش ابتدائی درهمین جهت است بناء نویسنده هرگز مدعی آن نیست که مطالبی را که درین سلسلهء مقالات مطرح میکند باید بعنوان حجت و حرف آخر تلقی گردد ، بخصوص در مورد آن جریانات که تا کنون از آن کمتر صحبت بمیان آمده و بیشتر در پردهء ابهام و سکوت مستور است .

هدف نویسنده از عنوان نمودن این مطالب (تاریخ نگاری) نیست عدم رعایت تسلسل تاریخی در ذکر وقایع نیز به همین علت است ...

امیداست مسئولین محترم جریدهء اتحاد اسلامی با نشراین سلسله وهمچنان اعتراضاتی که ممکن است برادران صاحب نظر بر برخی از مطالب عنوان شده درین مقالات مطرح کنند ، در جهت روشن شدن وقایعی که با تحریك و جهاد اسلامی ما رابطه می گیرد سهم خودرا اداء نمایند .(نویسنده)

***

در قاموس انقلابیون کودتا واژه ئی منفور و مطرود است کودتا گران اکثراً جمعی بدور از جامعه و رانده شده از درگاه مردم اند که بمنظور مقابله با آرمانها و خواست های اکثریت ملت وجلوگیری از ایجاد تحولات بنیادی در جامعه بوسیلهء نیروهای سرکوبگر ارتش بر مسند قدرت می نشینند .

کودتا ها موجب تغیرات ظاهری و روبنائی میشوند درحالیکه انقلابیون به تغییرات بنیادی و عمققی معتقدند. بعبارهء ساده ترانقلابیون به نیروی توده ها متکی اند و کودتاگران به زور سر نیزهء ارتش و نیروهای نظامی.

آیا امکان تلفیق میان کودتا و انقلاب وجود دارد ؟

تجربهء کمونیست ها در افغانستان که در صدد پیاده نمودن انقلاب از راه کودتا برآمدند، جز فاجعه ارمغانی نداشت ونشان داد که تحمیل تغیر برمردم از راه جبر و حاکمیت بوسیلهء قوهء قهریه محکوم به شکست است .

در تاریخ انقلابها گاهگاهی انقلابیون دچار وسوسهء دسترسی به قدرت از راه کودتا شده اند ولی در تحریك های منبعث از ارادهء مردم چنین وسوسه هاواستفاده از چنین فرصت ها هرگز به معنی کم ارج نهادن به خواست های جامعه نبوده است .

تا آنجا که قضیه به تحریك اسلامی در افغانستان رابطه می گیرد ،از همان آغاز کار میتوان وجود نوعی تمایل به تغییر از طریق کودتا را مشاهده کردو حتی بعضی از برادران صدر تحریك - معتقد اند که کودتای داود پیشدستی از جانب کمونیست ها برای جلوگیری از بقدرت رسیدن مسلمانان از راه کودتا بود .

نمیتوان گفت چنین باوری عام بود اما چنانچه بعضی از برادران صدر تحریك نیز به این واقعیت معترف اند، در سطح رهبری تحریك اسلامی بصورت انفرادی بعضی از برادران به کار با اردو اهمیت زیاد قایل بودند . انجنیر حبیب الرحمن شهید که در سال ۱۳۵۲ بوسیلهء رژیم داود دستگیر و بعداً اعدام شد مشخص ترین چهره درین رابطه است .

با دستگیری انجنیر حبیب الرحمن جمعی ازنظامیان وابسته به تحریك اسلامی نیز دستگیر شدند . در رابطه با افشای این راز یکی از اعضای برجستهء تحریك به همکاری با دولت متهم گردید . یکی از محصلین پوهنحی حقوق بنام «مقتدر» که از دوستان مورد اعتماد انجنیر حبیب الرحمن بود .

افشای رابطهء مقتدر با رژیم داود بنا به ادعای بعضی از برادران صدر تحریك، بوسیلهء نامهء صورت گرفت که شخص حبیب الرحمن از زندان مخفیانه به بیرون فرستاد درین نامه اشاره شده بود که محور تحقیق و پرسش از وی روی مسایلی است که جز مقتدر و خود وی، شخص سوم ازآن اطلاعی نداشته است. مقتدر به این ترتیب از تنظیم اخراج شد. کسانی که چند سال بعداز این جریانات با مقتدر درین رابطه صحبت کرده اند از وی نقل قول می کنند که نزدیکی وی با انجنیر حبیب الرحمن موجب ایجاد چنین سوءظن در مورد وی شد و برادران بدون وجود کوچکترین مدرکی وی را محکوم کردند درحالیکه او کوچکترین گناهی نداشته است.

بهر حال نخستین تلاش در جهت ایجاد تغیر از راه اردو پایان چنین دردناك داشت.استدلال آنانیکه از گرایش های آن زمان بسوی کودتا گری حمایت می کنند اینست که انجنیر حبیب الرحمن به این نکته بخوبی آگاه بود که کمونیست ها قصد کودتا دارند و کودتای داود این باور را تقویت نمود که زمان فروریختن افغانستان بکام روس زیاد دورنیست ، زمان ، تحریك را در تنگنا قرار داده بود و فرصت اندك بود در چنین فرصت اندك و استبداد رژیم داود تحریك اسلامی چه چاره ئی جز تلاش از طریق نظامی داشت؟!

وقتی در کشوری استبداد نظامی حاکم تمام راههای قانونی تلاش های سیاسی را ازجامعه دریغ میدارد در چنین فضائی گرایش بسوی خشونت هرگز خارج از امکان نیست خشونت هائی از این گونه در سال ۱۳۵٤ بشکل قیام های مسلحانه در بعضی از مناطق از جمله لغمان و پنجشیر بروز کرد .

در شمارهء آینده :قیام سال ۱۳۵٤ پنجشیر، نشانهء دیگراز گرایش بسوی کودتا.

چهرهء اصلی حامیان دیموکراسی در قضیهء الجزایر آشکار میشود

شورای حکومتی الجزایر وارد دومین سال بقدرت رسیدن خود شده است و این کشور همچنان با مشکلات داخلی از قبیل نارضایتی گستردهء مردم ، حملات مسلحانه فزایندهء مجاهدین مسلمان روبرو است .

روابط خارجی الجزایر درماه های اخیر در مقایسه با اوایل حکومت بوضیاف با کشورهائیکه از سیاست کنونی این حکومت در برابر مخالفین پشتیبانی میکنند و احتمال دارد در بحرانهای مالی و اقتصادی الجزایر کمکهایی بنمایند بهبود و توسعهء بیشتر یافته است.

از قرار معلوم شورای عالی دولتی در سیاستهای خود قبل از هر چیز اولویت را بروابط خارجی داده احتمال دارد این امر ناشی ازین ارزیابی باشد که اولین مشکل کشور مشکل اقتصادی بوده و دستیابی به راه هاي خارجی برای تهیهء مایحتاج مردم شاید بتواند از شدت بحران در کشور بکاهد .

شورای دولتی الجزایر ازآغاز بدست گرفتن قدرت در جنوری ۱۹۹۲ برای گسترش روابط با کشورهای بزرگ وصنعتی غرب بالخصوص امریکا و فرانسه سعی و تلاش مداوم و پیگیر نمود هدف حکام جدید الجزایر این بود که این کشورها را متقاعد سازند که شورای حکومتی در برخورد با مخالفان داخلی راه درست و مطلوبی را در پیش گرفته واین شورا قادر به تشخیص اوضاع و برگردانیدن ثبات سیاسی بکشور میباشد و هدف دیگر شورای حکومتی دریافت قرضه و کمك های مالی و اقتصادی از کشورهای خارجی بود تا بتواند با استفاده از آن اوضاع سیاسی را آرام سازد و بتدریج نفوذ خودرا در کشور گسترش دهد .

دکتور عباسی مدنی

علاوه براین دولتمردان الجزایر در صدد اند از رقابتهای بین المللی خصوصا میان فرانسه و امریکا بر سر نفوذ در منطقهء شمال افریقا استفاده کنند و درین زمینه با نزدیك شدن بفرانسه تمایل امریکا را بسوی خود جلب و بالعکس با نزدیکی به امریکا فرانسه را به کمك و یا حداقل به تعویق انداختن باز پرداخت قرضه هایش ترغیب نمایند بااینهمه بنظر تحلیلگران سیاسی موفقیتهای نسبی ایکه برای جلب کمکهای اضطراری درجهت کاهش بحران سیاسی کشور نصیب حکومت الجزایر گردیده کافی نبوده موثر ثابت نگردیده است زیرا بحران سیاسی در الجزایر عمیقتر از آن میباشد که تنها با فعالیتهای بیرونی کاهش یابد .

البته در موضعگیری کشورهای غربی بالخصوص امریکا در قبال اوضاع کنونی الجزایر نمیتوان این موضوع رانایده گرفت که مقابله با جنبش اسلام گرایی وجلوگیری از بقدرت رسیدن حکومت اسلامی در الجزایر نزد این کشورها ازاولویت خاصی برخوردار است .

این کشور های مترقی وحامی دیموکراسی که در سراسر دنیاانتخابات دیموکراتیك و آزاد را تجویز مینمایند و نظام های دیکتاتوری را مردود و در تضاد با مقتضیات عصر کنونی میشمارند درالجزایر با انتخابات آزاد مخالفت میورزند و از حکومت زور و ترور ووحشت پشتیبانی مینمایند ودرامر سرکوبی مسلمانان که در انتخابات آزاد و یموکراتیك برنده شدند با حکومت غیر قانونی الجزایر همکاری میکنند این مدعیان دروغین دیموکراسی در مواقعی که منافع شان ایجاب نماید حتی از اصول و پرنسیبهای معمول و نافذ در جوامع خود نیز تخطی مینمایند چه رسد به اصول و موازین دیگران آنها بخاطر تامین صلح و امنیت عده ای را قتل عام میکنند و بر عده ای تعزیرات وضع میکنند وعدهء ایرا از نعمت آزادی محروم مینمایند ، برخی را باتهام تروریستی و تخریبکاری سرکوب و افرادی را بجرم ترویج و قاچاق مواد مخدره مجازات میکنند در حالیکه خود در تمام این جنایات دخیل اند و باندهای بزرگ جناتیکاران را در بخش های مختلف در سطح جهانی هدایت و رهنمایی میکنند اینها در حقیقت خطرناکتر از جنایتکاران حرفوی اند جنایتکارانی اند بر چهره خود ماسك دیموکراسی کشیده اند ودر زیر پوشش صلح جنك می افروزند و بنام و عنوان اصلاح فساد میکنند .

اینست چهره اصلی حامیان دیموکراسی که نمونهء بارز آنرا درالجزایر مشاهده مینمائیم.

لنډه کیسه :

کلاشینکوف

چی تره یی کوټی ته راننوت لا یی بوټونه نه وایستلی چی ده د پښو غبرګتری چاپیره کړه، ورته په زاریو شو.

...... که که جانه .... که که جانه ماته دی څه راوړی .....

تره یی غوټه کیښوده غیږ یی تری چاپیره کړه، یوی بلی خوا یی ښکل کړ:

... ګرانه ! تاته می ډیر ښه شی راوړی .....

وراره یی بیا ورته په زاریو شو .

....کومه دی .. ولی یی نه راکوی ....

تره ورته وویل :

... بچیه ! ته خو لږ صبر وکړه چی زه بوټونه وباسم ، لږه دمه وکړم ..... بیا به یی درکړم ...

وراره یی په ژړا شو :

......ماته یی راکړه .... ماته یی راکړه....

د تره له غیږی پورته شو ، مور خواته یی منډه کړه او په ژړا یی غږیی ته ورولوید ، مور ښکل کړ:

.... زه زویه ! تره ته دی ورشه .... داسی ښه شی یی درته راوړی .....

زوی یی هماغسی ژړل :

.... ماته دی راکړی .... ماته دی راکړی ...

تره یی ورغږ کړ :

.... کریم جانه! راشه زما غیږی ته راشه بیایی درکوم خو کریم دوه پښی په موزی کی ننه ایستلی وی چی نه درځم او رایی هم کړه ، تره یی ورپسی را جګ شو د مور له غیږی یی واخیست ، کریم په چیغو شو ، پښی ،لاسونه یی غورځول او د تره له غیږی یی ځان خلاصاوه ، تره یی ښکل کړ :

.... ته خو خپه شوی ...

غوټه یی زر زر خلاصه کړه ، درخت دوه دری ټوټی یی چی تری راوباسلی ، یو پلاستیکی کلاشینکوف یی راوباسه ، کریم ته یی ورمخی ته کړ .

..... هن کریم جانه ! داسی ښایسته کلاشینکوف می درته راوړی ... ته وګوره ...

بیایی د کلاشینکوف پر ماشه ګوتی ورته کیښودی ، د کلاشینکوف مخی ته سور ځراغ بل اومړ شو د کلاشینکوف د ضربی په شان غږ یی وکړ کریم ته په ګریدو شو . ... ودی لید

.... څومره ښه دی ...

کریم کلاشینکوف په لغتی وواهه :

..... زه دانه اخلم....

تره یی کریم په غیږی کی کیناوه...

.... ولی کریم جانه ؟ .... ته ګوره څومره ښه کلاشینکوف دی .... دی باندی به ښکار کوی ... روسان به پری وژنی .

تره یی کلاشینکوف په لاس کی ورکړ، کریم بیرته ایسته وغورځاوه :

... نه .... دا زه نه اخلم .... ما نه دی پکار ....

تره یی بیا ورته وویل :

.... ته ورته وګوره ډیر ښه دی ... بیا روسان پودی وو له ، جهاد پری وکړه.

هغه بیا د کلاشینکوف پر ماشه لاس کیښود د کلاشینکوف خوله یی ورکوټی ځراغ بل مړ شو کریم دا ځل پورته ټوپ کړ او په چیغو شو :

.... وه موری .... وه موری ....

مور، زوی غیږی ته کړ ښکل یی کړ:

... بس کړه ... بس نو، مه ژاړه .....

خوکریم هماغسی چیغی وهلی :

... هله موری ... هله موری ...

د مور په سترګو کی یی هم اوښکی ډنډ شوی ټیکری باندی یی پاکی کړی ، زوی یی هماغسی چیغی وهلی او د او تری مرغی په شان ریږدیده کله به لږ غلی شو خو چی کلاشینکوف ته به یی د سترګو لاندی ولیدل بیا به یی چیغی کړی.

***

د هغه سترګو ته ودریده چی :

ټول کلی روسانو محاصره کړ ټانکونه تری تاوشول ، خال ، خالی ډزی پیل شوی ، روسان پر کورونو ورننوتل دی د پلار سره په غیږ کی ناست ؤ چی د کور دروازه یی وټکیده ، پلاریی وارخطا شو رنګ یی تك زیړ شو ، زوی یی ورو له غیږی کوز کړ . شونډی یی وښوریدی :

.... لکه چی روسان تلاشی ته راغلل ....

په بیړه ورووت ، لا یی دروازه خلاصه نه وه چی د روسانو غرغری یی ترغوږ شوی چی دروازه یی خلاصه کړه یوه ډله روسان پری راننوتل ، دوو تنو یی درانتوتو سره جوخت د هوا په لور د کله کوف څو ضربی وکړی ، یو یی ده ته په ګریدو شو !

... بزمچی ... بزمچی

ده سرورته وښو راوه :

.... دلته بزمچی نشته .....

هغوی یی هیڅ پرواونکړه پرکورو ورننوتل یوه روسی چی ټیپ ولید پری ورمنډه یی کړه او راوا یی خیست هغه لاس ورواچاوه .

.... مه کوی همدا یوټیپ یی دی...

روسی د کنداغ وارپری وکړاو ټیپ یی لاس کی ټینګ کړ د سیف الدین ما ما کډی چی د روسانو نوم و اورید دغوایا نو غوجل خواته یی منډی کړی او د بوس ترشا پټه شوه زوی پلار له لاسه نیولی ؤ او د روسانو خواته یی ځیر ، ځیر کتل ، روسان د یوه صندوق ترڅنګ کیناستل ، غوښتل یی صندوق خلاص کړی خو صندوق پسی قلفونه پراته وه یوه روسی د صندوق دواړو قلفونو باندی ډزی وکړی سیف الدین ماما ورته په زاریو شو : ... مه کوی ! دی کی دښځوکالی دی ... روسانو ددی خبری هیڅ پروا ونکړه ، کالی یی له صندوق څخه راوغورځول په صندوق کی تر کالیو لاندی غاړ کی پر یی دی یوه روسی لاس و راوړد کړ دواړه غاړ کی یی راواخیستی سیفو ماما لاس ورواچاوه او غاړ کی یی د روسی له لاسه راواخیستی روسی ورته په غصه شو ، دشونډو لاندی یی څه وویل کلاشینکوف یی ورته ونیوه او یوه ضربه یی پری وکړه ، سیف الدین ماما ولوید اووینی پری راماتی شوی زوی یی ځان پری ورو غورځاوه او چیغی یی کړی ... ،وه موری ... وه موری ...

روسان له کوره ووتل خو کریم هماغسی چیغی وهلی .

... وه موری .... وه موری

***

نن یی بیا چی پلاستیکی کلاشینکوف ورکړ هماغه صحنه یی سترګوته ودریده چیغی کړی او ځان یی په ځمکی واهه :

... وه موری ... وه موری .

یو ځل مخکی یی هم چی په کیمپ کی دیوه نفر سره کلاشینکوف لیدلی ؤ همداسی چیغی وهلی او دا ځل خو یی چی تره پلاستیکی کلاشینکوف ورکړ چیغی کړی اوځان یی په ځمکی ځمکی واهه ، هغه د کلاشینکوف څخه ویریده په کرکه به یی ورته کتل لکه چی پوهیدلی ؤ دانسان دښمن دی !! دا د تباهی او وحشت وسیله ده !!

افغانستان و وداع با...

های به اصطلاح(حقوق زن)و(آزادی زن) است استعمار گران چنین تبلیغ می کنند که در جوامع مسلمان زن از آزادی محروم است و بزرگترین دلیل عدم آزادی زن را وجود حجاب اسلامی در یك جامعهء مسلمان قلمداد می کنند.

تا آنجا که مسئله به آزادی زن در جوامع غربی رابطه می گیرد به شهادت تاریخ غرب زمانی بفکر آزادی زن افتاد که انقلاب صنعتی در اروپا آغاز گردید . کارخانه ها برای چرخیدن چرخهای شان نیاز به کارگر ارزان داشتند و به این ترتیب اروپائیان با تصویب یکسلسله قوانین آزادیهائی را برای زنان برسمیت شناختند . بنابراین اندیشهء آزادی برای زنان در اروپا از احساس انسان دوستی آنان بر نمی خاست بلکه گرسنگی سیری ناپذیر سرمایداری برای بلعیدن بود که به زنان حق کار در کار خانه ها داد .

طی جنگ جهانی دوم اروپا میدان جنگ بود ودرنتیجه بیشترین صدمات را متقبل شد بعداز جنگ چون ملیونها مرد کشته و یا معلول شده بودند نیاز به کار گران بیشتر برای بکار انداختن کارخانه ها موجب پذیرش آزادیهای بیشتری برای زنان گردید .

توجهء کشورهای غربی برای به اصطلاح آزادی زن در کشورهای اسلامی نیز ناشی ازهمین نوع طرز دید آنان است آنها میخواهند ازاین راه به منافع اقتصادی در کشورهای اسلامی دست یابند باقی همه ادعا ها و شعار ها فقط وسیله ئی برای فریب و انحراف اذهان از هدف اولی است غرب میداند که اگر زن در جوامع اسلامی تحت تاثیر فرهنگ غربی قرار گیرد این تاثیر بر همهء جامعه گسترش می یابد زیرا زن اولین معلم مرد است همانگونه که زنان مسلمان و مجاهد فرزندان مجاهد به جامعه تقدیم میکنند همانطوری که فرزندان انقلابی و دشمن استعمار در آغوش شیر زنان استعمار ستیز تربیت میشوند ، بر عکس فرزندان غربزده و خجل از فرهنگ و عنعنات خویش را نیز مادرانی به جامعه می سپارند که خود شیفته و دل باختهء غرب و فرهنگ غربی اند . حجاب سنگر مستحکم و پودلاین یك زن مسلمان است وغرب و فرهنگ مبتذل غربی در نخستین تهاجم خویش

> **حجاب سنگر مستحکم و پودلاین یك زن مسلمان است وغرب و فرهنگ مبتذل غربی در نخستین تهاجم خویش همین سنگر را مورد هدف قرار میدهد زیرا اگر زن مسلمان حجاب اسلامی را رعایت کند دیگرجای برای محصولات مبتذل غربی که بنام مود و فیشن به بازار عرضه می شود وجود نخواهد داشت .**

همین سنگر را مورد هدف قرار میدهد زیرا اگر زن مسلمان حجاب اسلامی را رعایت کند دیگرجای برای محصولات مبتذل غربی که بنام مود و فیشن به بازار عرضه می شود وجود نخواهد داشت .

در جوامع غرب زده اقتباس مظاهر تمدن غرب چنان شدید است که وقتی مود جدیدی در اروپا بوجود می آید همزمان با لندن و پاریس درین کشورها نیز زنان آنرا تقلید می کنند در حالیکه جامعه از نظراقتصادی به مشکلات فراوان مواجه است و قرار احصائیه های دقیق همه ساله در چنین کشورها صدها هزار طفل بعلت فقر مواد غذائی می میرند .

اقتباس از مظاهر مبتذل تمدن غربی و فرهنگ غرب تنها در تقلید مود و فیشن توسط زنان خلاصه نمی شود ولی همانگونه که قبلاً اشاره شد غرب تهاجم خویش را ابتدا به همین سنگر آغاز میکند و بعد طرز زندگی غربی و تقلید و همچشمی به خانواده ها راه می یابد بحدی که اقتصاد خانواده ها را تحت فشار قرار میدهد فرهنگ غربی چنان خودرا بر جامعه مسلط نموده و جانشین ارزش های عنعنوی جامعه میشود که دیگر عدم رعایت ارزش های فرهنگ غربی نوعی بی فرهنگی و عقب ماندگی بشمار می آید .

زن مسلمان با رعایت حجاب اسلامی محرومیتی را به استعمار تحمیل می کند و به همین علت استعمار بیشترین دشمنی را با حجاب زنان در جوامع اسلامی دارد .

با استقرار حکومت مجاهدین درکابل اینك خواهران مسلمان ما با رعایت حجاب دوره جدیدی را آغاز کرده اند و امید است این اقدام قدم نهایت بزرگ درجهت اصلاح جامعه و از میان بر داشتن تمام تاثیرات منفی باشد که رژیم های استبدادی و ضد اسلامی در طول دهها سال بر ملت ما تحمیل کرده بودند . انشاء الله

شورای امنیت سازمان ملل...

سازمان ملل به تعقیب صدور قطعنامهء ۸۳۶ این سازمان گفت : سازمان ملل با صدور این قطعنامه بمحاصرهء مسلمانان بوسنی شکل قانونی داده و صربها را تشویق نمود تا بجنایات خود علیه مسلمانان ادامه دهند ، دولت بوسنیا هرزگوینا بهر نحویکه برایش ممکن و میسر باشد بدفاع مظلومانهء خود ادامه میدهد و هیچ توقع همکاری ازجامعهء اروپا و ملل متحد ندارد .

تکل

د ابن قاسم په انتظار

د ژوند مفهوم یی یوازی د خو ساګانو مجموعه وه چی دغوښو اوهډوکو په مجسمه کی یی ښکته پورته کیدلی په سترګو کی یی د ژوند ځلاوه خود مرګونو پیغامونه یی خورول ! په شونډو یی موسکاوه خو په مسخه شوی انسانیت پوری یی خندل ، ! داسی بی پروا ولاړه وه لکه د قیامت په انتظار چی وی ! چی دحساب او کتاب پر ډګر د انسانیت دښمنان تر ګریوان ونیسی....

شاوخوا بنیاد مانوته یی داسی کتل لکه چی نه یی وینی ، یایی وینی خو د میربانو په څیر ورته حقیر او بل وړ مخلوق ښکاری پر سرخرخین ټیکری راسم کړی ، پاس آسمان ته وګوری لکه د ځمکی اواسمانونو رب چی ووینی ، تر خوله یی بو سوی او تو د اسویلی ووزی ، داسی تود چی ته به وایی اوس به په‌نړیا اور پوری شی .

خو دنیا هم اوس هغه دنیا نه ده چی د چا په اسویلیو دی اور واخلی، دلته هم اوس بل شانته مخلوق اوسی، که دچا له اسویلیو اور واخلی هم بل وړ یی تعبیروی هغه بیا بیا پورته سترګی ونیسی، پاس آسمان ته ، نوریی له دنیا زړه شین دی ، نوریی له دی بنیادمانو ته ورته ځناورونه د پناه ځای ورک دی .

په دځمکی او اسمانونو ربه !

په خوله همدومره وایی ، د سترګو په کونجونو کی یی مرغلری وځلیږی ، شونډی یی وریږی . خو غړ یی په ستونی کی زیندی شی .

لکه هغه چی یوازی په اوښکو او سلګیو خپل فریاد خپل پرووردګارته رسوی یادا چی پوهیږی چی خدای جل جلاله ئی په هرحال شاهد دی ، پروردګار یی پر سر د تیږ وحشت د شیبی شیبی لیدونکی دی او یا یی دهغه خه په تصور چی ورباندی تیز شوی ژبه ګونګی شی ،

بیا یی په سترګو کی دا التجا ځان وښیی چی :

یه د پاچا هانو پاچا !

ته خو شاهد وی ، تا خو لیدل چی انسان څنګه ځناور شو ، انسانیت څنګه مسخه شو او ....

یه ددنیا او آخرت مالکه !

نو که انسانیت مسخه وی ، نور څوک د انسانی مینی انسانی ژوند او انسانی رشتو پایندنه وی نو اسرافیلی شپیلی ولی چوپه ده؟؟!

د هغی سترګی د شنه اسمان په تندی میخ شی د ژوند سندره چوپه شی دنیا د سکوت او چوپتیا په غیږه کی ویده شی لکه د اسرافیلی شپیلی په انتظار چی وی .... ناڅا په په وراندی څروګرنګونو کی بیا دژوند ترانه پورته شی کوم ابن قاسم وی چی د خدای جل جلاله پر خدایی سوګند پورته کوی چی :

ناهیدی خوری! په خدای جل جلاله می سوګند چی د لوټ شوی عزت بدله به دی اخلم !

د هغی په سترګو کی بیا مرغلری وبریښی

په شونډو یی د موسکا څپه را غبرګه شی

او په وراندو څرو ګرنګونو کی د ژوند ترانی ته غوږ شی لکه چی د انسانیت څیره پوره نه ده مسخه شوی !

لکه چی نړی بشپړه ځناورو نه ده لاندی کړی !

لکه چی تراوسه پوری پت او ناموس ساتونکی شته !

هغه یو ځل بیا سترګی اسمان ته پورته کړی

بیایی هم په څیره د زاریو او سوالونو نخښنی را بری شی .

: یه د پا چاهانو پاچا !

یه د مځکی اواسمانونو ربه ته خومی د انسان د شرف او عزت د لوټارانو په جنازو واروی !

زموږ په ړنګو کوډلوکی بیرته د ژوند نغمی پورته کړی .

له لیمونه یی د اوښکو چینی د مخ په ویرانو وررو انی شی ښکته بهیږی چی له مخ نه یی د اندیښنو او مایوسیو ګردونه ومینځی.

سترګی یی د شنه آسمان په وسعتونو کی د خپل بخت د ستوری په لټه کی شی.

او !

پر خپل ځای کښینی .

د ابن قاسم په انتظار !

د هغه چا په انتظار چی د ژوند زیری ورسره دی .

دانسانی او پتمن ژوند زیری!!!

ای د ملت د حماسواتله !

ای د ملت د حماسو اتله !
تا چی د ننګ په لاره ګام واخیست
بس د احرارو سر لښکر غونډی شوی
چی له قرانه دی الهام واخیست
* * *
د حادثو په تل کی ولویدی
تا له مرګونو سره سر وواهه
لوړ هندوکش دی پر قدم پریوت
تا چی خطروته ټټر وواهه
* * *
د خیال مارغه دی له شاهین نه اوچت
ستا حوصلوته می سلام غازی
غرونه ولاړ دی شا اوخوا په تعظیم
ستاارادوته لاس په نام غازی
* * *
ستا هر قدم چی د امت لپاره
نوی پرتم نوی وقار راوړو
فساد څپلی مستضعف جهان ته
تاژغونی ستر شعار راوړ
* * *
ستا په هرګام کی حادثی شوی جوړی
پر هر تکبیر دی یو جهان ویښ شو
چی د تزویر په بستر خوب وړی ؤ
هغه مظلوم غریب انسان ویښ شو
* * *
د تکبیر غږ دی پر آمو پوری ووت
د بخارا له منارو اوچت شو
د حق پیغام دی تر مسکو ورسید
د کریملین تر کنګرواوچت شو
ستا هر تکبیر شو د پاخون الهام
تا نه یوازی سور شیطان مات کړ
ته د خپلواکو غورځنګونو امام
حاکم منطق دی د جهان مات کړ
* * *
خوای د حق د لاری ستر اتله
د اعظمتونه دی تل ساتل غواړی
ورانی کوډلی او ویجاړی مینی
بیرته له سره رغیدل غواړی
* * *
غلیم لاشته دی او دا هڅه کوی
چی قربانی دی بیرته رنګ بایلی
دغه آرزو د نړیوال استکبار
چی نرغازی ګټلی جنګ بایلی
* * *
د لوړ ارمان هغه سپیڅلی جهاد
د اقتدار خونړی جنګ بڼی
د شهادت او قربانیو جلبه
د بولهوسو یو غورځنګ بڼی
* * *
ای د ملت د حماسو اتله
ګوره غلیم دی انتظار ناست دی
چی غیرتونه دی پیکه غونډی کړی
چمتو په تمه د ګزرار ناست دی
* * *
نو !
له یو بل سره تر غاړی وزی
د جذای لپاره تریګنی پریږدی
چی مو ذلیل دښمن ذلیل پاتی شی
نوری بی ځایه دښمنی پریږدی
* * *
د خپل امت دا هیله هم ومنی !
یو بل ته لاس د اخوت ورکړی
د خپل ولس اوتول امت په خاطر
یو بل ته غیږ د محبت ورکړی

قهرمان تاریخ!!

- دورنمای تابلوی زندگی من پر از خطوط ، پروازها و بازتابهای ماجراجویانه، لجوجانه ومملو ازترسیم و تشکل عقده های بسیار خطرناک روانی است، وقتی به گذشته های دور دستم مینگرم در بحری از تفکر و تشویش غرق میشوم و از هزاران هزار مدارك نفوذ به قلمرو خود مختاری قدرت، نیرو، سلطه و فرمانروای، مدرکی را انتخاب میکنم که فقط به یك جست، همه سیاهکاری های دوره های گذشته، زندگی ام را به تلمع جبروت، درخشندگی بخشد... هویدا است که این درخشندگی چشمان آن همه کسانی را خیره خواهد کرد که بر تحرکات من نظر نقادانه دارند و از هر وسیلهء ممکن استفاده میجویند تابرمن خورده گیری نمایند، نمیدانم این ادعایم واقعیت دارد ویا بنابر اوهامی است که پیداوار ومحصول دست ودماغم میباشد... راستی وقتی میخواهم درصحنهء ظاهرشوم و هنری که دارم تقدیم جامعه نمایم، طوری میپندارم که پیرو برنا با نگاه های آلوده به غضب قدم به قدم مرا تعقیب میکنند و هنرم را در مقایسه باکارنامه هایم(!) به باد مسخره گرفته برمن احتجاج میکنند انگشت انتقاد شان را به طرف من میگیرند من باخود می اندیشم که اگر به منبع قدرتی دست نیابم که قهراً این همه نگاه ها را از خود منصرف سازم، زندگی مفهومی نخواهد داشت و هرلحظه در آتش حسرت و نومیدی خواهم سوخت، این که به قدرتی دست یابم و برنقاط ضعفم روپوشی بیندازم به بهایی ضرورت است که باید خود بپردازم و آن جولان درمیدان قهرمانی است، این میدان قهرمانی تنها دریك صحنه خلاصه نمی شود، من میتوانم در میدان علم از اقران سبقت بجویم، درهنر و ادبیات سر آمد روزگار شوم، خطیب چیره دست و دانشمند متبحر باشم، چندین زبان را یاد داشته باشم، در مطالعه ام وسعت بیاورم، نامهای کتب گوناگون را یاد داشته باشم، کتابخانهء بسیار مجهز و غنی داشته باشم، از راه آواز خوانی و موسیقی شهرت یابم و یادرمیدان مسابقات سپورتی قهرمان شناخته شوم و اگر دل بامن یاری کرد به میدان معرکه بشتابم وچون ناپلیون و هتلر و ژول سزار و فرعون قهرمان و فاتح اقلیمهای عالم شناخته شوم... من بسیار دور اندیش بودم، چون درمسائل فکر میکردم، بدون آن که در آن دخیل باشم یانباشم دربارهء خود می اندیشیدم و سهم خود را در آن تعین میکردم و درنهایت امر منافع خود را در آن درنظر میگرفتم، از اولویات من یکی همین بود که در هرچیز منافع خودرا ترجیح بدهم...

ترکیز همین اندیشه مرا خود بزرگبین بار آورد- لذا اکنون درهر مسأله وقضیه (شخصی باشد، ملی باشد و یا بین المللی) فقط به رای و نظر و تصمیم خود ارزش میدهم و برآن پافشاری مینمایم- گرچه رای و نظر جهانیان صایب باشد- نظرمن- نظرمن است و به هیچ قیمت باید از نظر انداخته نشود- بی تفاوت است اگر در صورت عدم تطبیق نظرم و پافشاری ام بر آن جهت، قومی به تباهی سوق داده شود ، ملتی در ماتم نشیند و جهانی در اشك و خون غرق شود، به عقیده من شاید فرعونیت و استبداد ناشی از همین نظر من و امثال من درگذشته ها و حال و آینده باشد...

روزی که به مدرسه قدم نهادم و به امید فردا های تابناك و درخشان آغاز به آموزش کردم طبیعتی لجوج داشتم به عوض اینکه در رابطه با قضایا ومسایل درست فکر کنم و به نتیجه یی برسم، جهت های منفی رسیدن به هدف را ترجیح میدادم ، گرچه در سالهای اول خیلی زیرك و در درسهای خود وارد بودم، اماغرور و تکبر که آن هم ناشی بود از کج اندیشی های ناعاقبت اندیشانه ام، نگذاشت بحالت طبیعی رشدکنم و مدارج وپله های ترقی و پیشرفت را یکی پی دیگر طی نمایم، فقط درصدد آن بودم که به نحوی فایق آیم ونگاه های تحسین آمیز دیگران را بخود جلب کنم- این عجله و تکبر که لحظه به لحظه مرا به تنگنای رنجهای بی پایان میکشیدو بر رنجهای روانی ام می افزود و مرا هر چه لجوجتر بار می آورد، این لجاجت سبب شد که بعد از چند سال تحصیل، چون دیوانگان باخود حرف بزنم، انگشتانم را بشمارم، توقف کنم ، بدوم، دیواری ، کلکینی و جیوانی را به سنگ بزنم... و بالاخره زمانی فرا رسد که دریك صنف دوسال ناکام شوم و ازمکتب و مدرسه اخراج شوم و به مکتب و مدرسهء دیگر امتحان سامع بدهم ویا باوجود گرفتن نمره های عالی و کامیاب شدن به نمبر خوب تادکتورا وماستری پیش بروم، ولی من عرض کردم که دور اندیش بودم وبه این چیزهای کوچك وپیش پا افتاده قناعتم فراهم نمیشد!!! من میخواستم که همه دنباله رو من باشند، من الگو باشم به جبر باشد یابه رضا- به سرحدات نهایی قدرت برسم- این اندیشه ام بود که مرا به صحنهء معرکه کشاند ، من هرگز در فکر آن نبودم که به خلق خدا خدمت کنم، ملتم را از چنگال ظالم نجات دهم، به هدفی مقدس برسم، بلکه میخواستم به نحوی از انحا مطرح شوم، مردم از من اطاعت بلا قید و شرط نمایند، آقا باشم و مخلوق خدا را

ص(۷)

د نړی په اوسنی...

کیدلای هماغه و چی د افغان جهاد دښمنان په خپل مقصد کی کامیاب شول او قضیه یی د جنګ له ډګره د مذاکراتو میزته ورسوله د جنګ روانی حالات په بل خوا واوښت د یو نظر او فکر خاوندان یو د بل پر خلاف شول او هلته د اقتدار جنګ پیل شو .... د نړی برلاسی استعمار دی طاقت څه غواړی ؟ هغه کټ مټ هماغه څه غواړی چی نن په افغانستان کی کیږی هغه غواړی چی په هر قیمت دا جنګ په افغانستان کی همدغسی تودوی ترڅو په دی ډول یوه نظریه او په هغه باندی د عمل ځواك ختم شی امریکا نوره غربی نړی او روسیه اوس غواړی چی په افغانستان کی داسی حکومت رانشی چی پر نورو سیستمونو ، نظامونو او میتودونو باندی منفی یا مثبت اغیزه و غورځوی ، هغوی له اسلام څخه په سخت ویره کی دی ځکه هغوی ولیده چی همدغه عملی ایډیالوژی د روسیی پر وحشی نظامی ځواکونو باندی کومه ورځ راوسته او څه ډول یی په جهان کی رسوا کړ ؟ له دی سره سره هغه به کله دا اجازه ورکړی چی پر همدغه طرز تفکر باندی جوړ شوی نظام په افغانستان کی حاکم وګرځی او خلك د هغه له فرامینو څخه اطاعت وکړی.

په دی باندی باید سبه پوه شو که چیری امریکا و نشوای توانیدلای چی په افغانستان کی د خپلی خوښی نظام ټینګ کړی ، نو هغه به د خپلوعمالو په مرسته افغانستان په دری و برخوویشی هغه چی خپلی ګټی د افغانستان په خاوره کی خوندی ساتل غواړی تراوسه پوری نه دی مایوسه شوی بلکی شپه او ورځ یی یوه کړی چی په ټول توان سره په افغانستان کی د اسلامی حکومت د جوړیدو مخه ونیسی او یا دا چی اوضاع خړه پړه وساتی او د لبنان په شان د یوهیواد د تباهی په قیمت د خپلو ګمارل شوو کسانو په وسیله له سیمی اونړی نه د قدرت کریدت واخلی ... تاسی ګوری چی ددغه هدف د ترلاسه کولو لپاره امریکا روسیه او ایران په افغانستان کی په پراخه پیمانه مداخله کوی او دځان دښنی ورځی په هیله دافغانستان د خلکو ژوند بربادوی .

نن چی په کشمیر کی څه پیښیږی څه دی ؟ واضحه خبره ده چی د کشمیری ولس پاڅون ، جهاد اوټولی انقلابی هلی ځلی د افغانستان د جهاد سیاسی او اعتقادی خپریدنه او اغیزی دی هغوی ته اخلاقی او روحانی قوت چی حاصل شوی د افغانستان د جهاد له کبله ده که چیری هغه نظریه چی په افغانستان کی دیری درشل ته نږدی شوی په کشمیر کی بریالی شی په فلسطین کی هم د حماس په چوکات کی بری ته رسیدلای شی او همدغه قوت به په راتلونکی کی په بوسنیا کی جلوی وکړی د اروپا یی ټولنی ټول روانی فکر به تبدیل کاندی .

په جلال آباد کی د افغان مجاهدینو د مشرانو غونډه ، لکه ددوی نورو په شان پای ته رسیدلی او داسی ښکاری چی دا غونډه هم لکه د نورو غونډو کومه مثبته نیتجه ورنکړی ... په داسی حال کی چی په افغانستان کی د امنیت نشتوالی او د حالاتو عدم ثبات د سیمی لپاره لویه خطره ده او داخطره هلته راوستل شوی ده چی اوزته یی لاملن وهل کیږی ترڅو ددی ستر جنایت عاملین لاندینی اهداف ترلاسه کړی :

١- د افغان جهاد- اثراتو اغیزو- د پرمخ تګ مخنیوی او په دی جهت کی مؤثر ګامونه چی دا جهاد صادر نشی .

۲- د نوی آزاد شوی منځنی آسیایی جمهوریتونو لپاره د تجارت او راکړی ورکړی بازارونه ګرځی .

۳- د افغانستان نظامی ځواکونه په خپلو منځو کی سره آچول او ختمول.

٤- افغانستان له ګاونډی اسلامی هیوادونه په خاصه توګه له پاکستان څخه لری ساتل .

٥- په افغانستان ، پاکستان منځنی اسیا او منځنی ختیځ کی د اسلامی نهضتونو ټکول یی اعتباره کول او بدنامول .

٦- او په پاکستان کی دحالاتواواوضاعو ګډوډول .

بناء دا ستر مسؤولیت چی د افغانستان اسلامی انقلاب له دغسی لاس غځونو څخه سلامت پاتی شی.

د افغان مجاهدین مشرانوته متوجه کیږی او که خزای مکړه دوی دا خپل لوی تاریخی مسؤولیت هیر کړ ددی لوی امت د تباهی او بربادی ستر عامل به همدغوی وی او سبایه امت او الله جل جلاله ته همدغوی ځواب وایی .

د حزب وحدت اصلی...

ویلای شی ؟ دواړه طریقی او ډولونه د بی رحمی او ظلم انتهاده خو که چا وویل چی په تیزابو مرګ می قبول دی نو دانسانیت دغه دښمنان پردی تیزاب وراچوی اویائی د تیزابو په هغه بیرل کی ورو‌غورځوی او په ډیره بی دردی سره ئی شهید کوی چی بیا د شهید په اسکلیت غوښه نه وی او دهډوکو تشه دانچه چیرته په کوم کنډه کی ورخطا کړی اوکه چا وویل چی دمیخونو مرګ قبلوم نو په دی ځای کی د فرعون اوهامان بچیان ورنه بیا پوښتنه کوی چی عمر دی څومره دی که هغه د دیرشو کالو وی نو دری انچه میخونه اوکه څلویښتوکالو وی دڅلور انچه میخونه ئی په سراو مغز ورټك وهی او په دی ترتیب هغه بی وسه بی کسه او بی ګناه مسلمان ددغو ظالمانو د ظلم او تا روا له لاسه د شهادت جام وڅښی .

نو ګران لوستونکی دی پخپله قضاوت وکړی کله چی په ګران هیواد افغانستان کی داسی بی رحمه بې کرکی مبغوض اسلام دښمنه او انسان دښمنه ګوډاګیان موجود وی چی نه ئی د چا په وینو تویولو زړه درد کوی اونه د چا د حیاء او ابرو څه فکر ورسره وی او نه ئی د هیواد په ورانولو زړه خوږیږی نو تر څو چی ددغسی داړه مارانو لاسونه ورلنډ نشی څه ډول به دسولی اوامنیت پروسه نتیجه ورکړی تر څو چی دا فتنه اچوونکی شریراو ازاریان له مخی لری نشی زمونږ سوله دوست ، مسلمان او کړیدلی ولس به له همدغسی راز راز کړاوونو بدبختیو او ستونزو سره مخامخ او د بی اتفاقی په اورکی به سوځی - ځکه دا ډول ډلی او بانډونه نه یواځی دا چی په ظلم اووحشت اچونه کی ساری نلری بلکی د فتنی ، فساد او نفاق په اوریلونه کی هم پوره مهارت لری. دا ډول خلك کله د یو اسلامی تنظیم لمنه نیسی وائی مونږ ستا ملګری یو وکله د بل اسلامی تنظیم او کله هم دوی په شان د نورو ډلو ټپلو سره ځانونه ځای کوی ، قرانکریم ددی ډول خلکو ذکراو صفت داسی بیانوی :

مفهوم: کله چی له مومنانو سره مخامخ شی وائی مونږ هم مومنان اوستاسی ملګری یو خو کله چی د خپلو شیطانانو هم عقیده و سره یو ځای شی نو هغوی ته وائی چی مونږ خوله تاسی سره یو)

دوی کوم ځانګړی دریځ او موقف نلری بلکی اوړی را اوړی .

ددوی اصلی موخه او مقصد دچا ملګری کیدل نه دی بلکی د مسلمانانو تضعیفول او دهغوی به منځ کی د نفاق او فتنی اوریلول ددوی اصل غایه ده .

په نوم سنی سره ددوی دښمنی ده د مسلمان وینوته تږی ناست دی که هغه پښتو ژبی وی او که فارسی ژبی که هغه تاجك وی که ازبك که هغه کابلی وی اوکه ننګرهاری ،که هغه جنوبی وال وی اوکه شمالی وال خو چی مسلمان وی اوسنی وی ځکه هغه ټول ددوی د ناپاکی عقیدی ضد دی او دوی ئی خپل دښمنان ګڼی .

خدای دی په خپل فضل او مرحمت سره د افغانستان مسلمان شهید پرور کړیدلی او مجاهد ولس ته له دغسی ظالمانو ، داړه مارانوفتنی او فساد اچوونکو څخه نجات ورکړی تر څو دیو اسلامی حکومت په پښو دریدو سره د مینی ، اخلاص او په سوله او امنیت سره ژوند تیرولو لپاره زمینه ورته برابره شی . ومن الله التوفیق

صدراعظم او د نوی کابینی غړو...

کابل:

له کابل څخه د اتحاد اسلامی اونیزی خبریال خبر راکوی چی د پنجشنبی په ورځ صدر اعظم او د هغه نوی کابینی غړو د وفادادری د لوړی مراسم تر سره کړل.

خبر زیاتوی په سر کی صدر اعظم محترم انجینر ګلبدین حکمتیار او ورپسی د کابینی نورو غړو پخوانی قاضی القضات محمد شاه فضلی په وړاندی لوړه وکړه خو په غونډه کی د وحدت حزب وزیرانو ګډون نه درلود ، د لوړی مراسم د غلام حیدر خان په کلا کی چی اتحاد اسلامی پوری مربوط ده تر سره شول او امنیت یی ټولو ګوندونو په ګډه نیولی و، په غونډه کی د وحدت د حزب د وزیرانو د نه ګډون وجه معلومه نه ده خو داسی ښکاری چی هغوی هم څه خاص اعتراض نه لری.

خبر زیاتوی همدارنګه حزب اسلامی د اتحاد اسلامی او وحدت حزب ترمنځ د منځګرتوب هڅی پیل کړی او پر دواړو ډلو یی غږ کړی چی باید خپل اختلافات د خبرو له لاری حل کړی.

خبر په پای کی لیکی: نوی کابینه د کارونو د پیل کولو په حال کی ده او کیدای شی ډیر زر خپل چاری پر مخ بوځی ، په دی برخه کی کله چی یوه خبریال د اتحاد اسلامی له مشرپروفیسور عبدالرب الرسول سیاف څخه وپوښتل چی د حکومت د موثریت په باب څومره مطمئن دی هغه وویل په دی خاطر چی په دی حکومت کی ټولو جهادی ګوندونو برخه اخیستی او پری راضی دی د هغه د ټینګیدو امکانات زیات دی.

قهرمان...

ذلیلتر از پسخوردهء مواشی بینم که صبح و شام زیر پایم پامال میشوند و کسی جرأت آن را ندارد که بسویم نگاه کند!!! چه رسد به این که در اوامرم از تعلل کار بگیرند و یادر قضایا بامن مناقشه وزبانبازی نمایند...

به میدان معرکه آمدم- چون من زود قایل نمیشدم وعادت نداشتم به عقب نگاه کنم و یابه سخن کسی گوش فرادهم- این همه عادت بدم به نیکنامی من تمام شد و شهرتم هفت اقلیم را بسر گرفت ولی در ایام پیروزی، احمد وکلبی وصلبی وسلبی پیداشدند و هریك ادعا داشتند که اژدهای سیف الملوك را آنها کشته اند و به کمال پیروزی من وقعی نگذاشتند و نه ارزشی بمن قایل شدند که توقع آن را از ایشان داشتم- بر افروخته شدم و مرکز قدرت را مورد یورش قرار دادم...

از مدخل شهر تامخرج آن همه جا و همهء اماکن آماج اسلحهء ثقیلهء من بود و جزوتامهای نظامی ام بسوی نقاط مختلف شهر سرازیر می شدند ، به هرسو آتش زبانه می کشید، فریاد مادران وضجهء کودکان و نالش گنده پیران را ازبسیار نزدیك میشنیدم و لذت میبردم و قومانده ام را در نابودی کامل شهر تسریع مینمودم، درمیان شعله های آتش میدیدم ویادر جهان خیال بر صفحهء دماغم نقش می بست که درگوشه یی از شهر نظامیانم اموال خانه یی را به غارت میبرند... درگوشهء دیگری ازشهر دربین فریاد و هیاهوی مردم به ناموس کسی دست درازی میکنند... درناحیهء دیگری می بینم که چند نفر را در پهلوی دیوار کوچه یك قطار ایستاده نموده اند وازیکطرف مرمی باران می کنند... دربخشی دیگر می بینم که مادری باروی خون آلود طفلش را در آغوش گرفته از آتش جنگ می گریزد...

ولحظه یی بعد دود غلیظی چون ستون بزرگی به فضا بلند میشود و پهن میگردد و سپس سکوت طاری میشود... شهری که تادیروز هزاران خانواده در آغوش آن به اطمینان زندگی میکردند، امروز به شهر خموشان تبدیل میشود و من که منم(قهرمان فاتح) فاتحانه به شهر ویران برمیگردم ، ولی در لحظات آخرین تباهی شهر نمیدانم که چه میخواهم- آخر حکومت وفرمانروایی برمردم میشود- نه برشهر خموشان آگنده از دود و خاکستر و آتش!!!

بقیهء سرمقاله

طرحهای استعماری دشمنان اسلام بر هیچکسی پوشیده نیست .

دور نمی رویم .. روزهای آخر حکومت نجیب را بیاد می آوریم که تلاشهای دنیای کفر و استعمار برای چیدن ثمرات جهاد و محروم ساختن مجاهدین از آن و جانشین ساختن یك حکومت سکولر و غربگرا و غیر اسلامی بجای حکومت کمونستی به اوج خود رسیده بود و امریکا می خواست از طریق ملل متحد حکومتی را در افغانستان بقدرت برساند که قبله اش واشنگتن باشد و از قصر سفید فرمان ببرد ، بنین سیوان ظاهرا نمایندهء ملل متحد و در واقع نمایندهء امریکا شب و روز در تلاش پیاده کردن این پلان امریکا بود و درین راه سراز پا نمی شناخت و اکثریت رهبران محترم جهادی نیز طرح امریکا را پذیرفته بودند اما این استاد سیاف بود که قاطعانه مخالفت خودرا با کوششهای بنین سیوان اعلان کرد و بالآخره در معاهدهء پشاور با تدبیر وابتکاری که از خود نشان داد ، طرح ملل متحد و یا در واقع توطئهء ملل متحد را بکلی خنثی کرد و بدینگونه زمام حکومت عملاً در دست مجاهدین قرا گرفت ، اما دشمنان به سردمداری امریکا که نقشه های خودرا نقش بر اب می دیدند ، آرام ننشستند و با مداخله های پیهم و بر انگیختن عوامل داحی خویش جنگهای خونین تنظیمی را براه انداختند .

جنگهای تنظیمی در کابل که بر سر تصاحب قدرت صورت گرفت ، همزمان بود ب تبلیغات وسیع و گستردهء رسانه های یهود و نصاری علیه مجاهدین و در نتیجهء این جنگها و تبلیغات ، خسارات زیادی وارد شد و حیثیت و منزلت مجاهدین و اهداف ایشان زیر سوال رفت .

اشخاص دلسوز و فرزندان غمخوار تحریك که نمیتوانستند شاهداین جنگهای خانمانسوز در بین فرزندان اصیل جنبش اسلامی و شاهد تطبیق پلانهای خطرناك دشمنان دین ووطن باشند به حرکت افتادند و فعالیت های صلح را آغاز کردند ، اما در این میان ایادی کفار نیز آرام ننشسته کوشش می کردند تلاشهای صلح را سبوتاژ نمایند و با براه انداختن این تبلیغات که رهبران مجاهدین نمیتوانند کاری در جهت صلح بکنند ، می خواستند ملت را مایوس کنند و طرحهای باداران خودرا بعنوان نعم البدل پیش نمایند .

درهمهء این مدت نقش رهبر اتحاد در پیشبرد کوششهای خیرخواهانهء صلح و نفی اتهامات دشمنان و خنثی کردن پلانها و اهداف ایشان برازنده بود و ازهمینجا بود که یکی ازکشورهای همسایه که داد از اسلام و حکومت اسلامی می زند ولی عملاً در پهلوی امریکا و سائر دشمنان اسلام قرار داشته و علیه انقلاب اسلامی ما بیش از دیگران دسیسه می چیند ، به تبلیغات زهرآگین علیه شخص استاد و تنظیم اتحاد آغاز کرد و به گروهك دست نشاندهء خود حزب وحدت دستور داد که علیه مواضع مجاهدین اتحاد دست به جنگ افروزی و ماجراجویی بزند.

اما اینهمه آشوبگری وماجرا جویی حزب وحدت و اربابان آن جایی را نگرفت و امیراتحاد همچنان به تلاشهای خود در جهت ایجاد صلح و تفاهم در بین برادران مجاهد خویش در حزب و جمعیت ادامه داد .

در نتیجهء این کوششهای مخلصانهء استاد بود که آتش بس در بین قوای دولت و حزب در تگاب و نجراب بر قرار گردید و باز در نتیجهء همین کوششها بود که چند روز قبل نشست مهمی در بین استاد ربانی رئیس جمهور و انجنیر حکمتیار صدراعظم دولت اسلامی افغانستان در پغمان صورت گرفت و شخص استاد سیاف نیز درین جلسهء مبارك حضور داشت و در نتیجهء این جلسه جو اعتماد و اخوت در بین دو شخصیت بزرگ دولت اسلامی و دو برادر همسنگر دوباره بر قرار گردید وفیصله های مهمی بعمل آمد که از آنجمله میتوان ازتشکیل کمیسیونی برای بررسی چگونگی ورود صدراعظم به کابل نام برد ، این کمیسیون و همچنان کمیسیونهای دفاع و داخله تشکیل شده و بکار های خویش آغاز کرده اند و اوضاع به طرف بهبودی می رود .

قابل یاد آوریست که یك روز قبل از نشست سه رهبر گرانقدر جهاد در پغمان حزب وحدت حمله علیه مواضع اتحاد را آغاز کرده بود تااز انعقاد این جلسه جلوگیری کند اما بحمدالله این دسیسهء گروهك وحدت نیز همچون دسائس قبلی آن جایی را نگرفت و در آینده نیز رهبر اتحاد بدون اعتنا به دسائس و توطئه های دشمنان به مساعی خود در جهت توحید صفوف و ایجاد تفاهم و صمیمیت در بین فرزندان جنبش و تحکیم پایه های حکومت اسلامی ادامه خواهد داد و درین راه یاری پروردگار و حمایت ملت مظلوم و قهرمان افغان با او خواهد بود .

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنشها گر کند خار مغیلان غم مخور

خلص سوانح برادر شهید حاجی محمد نذیر

برادر شهید حاجی محمد نذیر پسر حاجی سادی خان در ۱۳۳۸ شمسی در قریه ملنگ ولسوالی بگرامی در یك خانوادهء متدین و شیفتهء اسلام بدنیا آمد خانواده ئی که می توان مبارزه در راه حق را از علایم ممیزهء آن بشمار آورد.

در سال ۱۳٤٥ سن هفت ساله گی شامل مکتب ابتدائیهء خورد کابل گردید و در سال ۱۳٥۲ جهت فرا گرفتن علوم دوره ثانوی شامل لیسهء چارآسیاب گردید در سال ۱۳٥۷ از لیسهء چار آسیاب فارغ التحصیل گردید و مدت دو سال یعنی ٥٦ و ٥٧ با برادران حوزهء مرکزی به فعالیت خود ادامه داد و در سال ۱۳٥۷ زمانیکه رژیم ملحد کمونستی به قدرت رسید به پشاور مهاجرت کرد و در دیار هجرت فعالیت های جهادی خودرا از سر گرفت و جهاد مسلحانه را

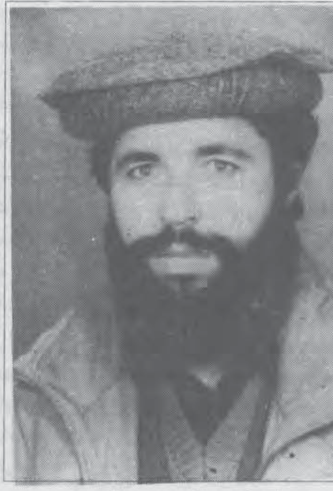

برادر شهید حاجی محمد نذیر

به مقامات مسئوول تنظیم مربوط خویش بالخصوص به انجنیر احمد شاه که معاون جمعیت بود پیشنهاد کرد و همیشه اصرار می ورزید که چند میل سلاحی در اختیار وی گذاشته شود تا به جهاد مسلحانه بپردازد تا اینکه بخاطر عیار ساختن به جهاد موصوف شامل حربی پوهنتون جمعیت اسلامی گردید و به موفقیت تمام ازحربی پوهنتون فارغ گردید و بعداز فراغت بحیث استاد نظامی در غند گنداب ایفای وظیفه میکرد بعداً در کویته حوزه جنوب غرب به صفت نمایندهء اتحاد اسلامی ایفای وظیفه می نمود .

ومدت پنج سال بحیث قوماندان لوای توحید اتحاد اسلامی جهاد مسلحانه نمود تا اینکه بالاخره در روز جمعه مورخه ۲۰ جوزا به اثر انفجار موتر کماز با ۳۲تن مجاهدین خود جام شهادت را نوشید .إنالله وإنا إلیه راجعون.

دپوهاند سیاف دوینامتن . . .

دا دهمدی ږیرو برکت دی چه دغو کمونستانو هم د آزادی ساه واخیسته.

استاد سیاف د خپلو خبرو په بل پراو کښی وویل :

تاسو ټولو ولیدل چی د جهاد د ښمنانو نن په کابل کی د جګړی اور یو ځل بیا تازه کړ ، تر څو وکولای شی چی په پغمان کی زموږ په بلنه د هیواد د محترم جمهور رئیس او محترم صدر اعظم ترمنځ د تیری ورځی ګډه غونډه په کوم کی چی د اسلام آباد او جلال آباد دتړونونو د تحقق او پلی کولو په خاطر جوړه او ګټور تصامیم ونیول شول سبوتاژ کړی.

خو مونږ تاسوته اطمینان درکوو چی جهادی کاروان به ددغو شهیدانو د وینو په برکت مخ په وړاندی درومی او دوینو دغه سیلاب به دکفر او کمونیزم بقایاوی د تل لپاره د خپل مخ څخه لری کوی. پوهاند سیاف پوښتنه وکړه چی ستر کفری ځواکونه نن ولی د افغانستان حکومت په رسمیت نه پیرنی ؟ ولی ورسره سیاسی اړیکی نه قایموی ؟ او ولی دهغه په ضد ناروا اوزهرجن پروپاګندا کوی؟ خو ټول پوهیږی چی ځواب څرګند دی او هغه دا چی کفری ځواکونه ددغه حکومت استقرار او په پښو دریدل د ځان لپاره جدی ګواښ او چلنج ګڼی .

پوهاند سیاف د خپلو خبرو په پای کښی د شهیدانو روح ته د دعا ترڅنګ په مجاهدینو باندی غږ وکړ چی خپل کړه وړه او دخلکو سره چار چلند د اسلام د ارزښتنا کو تعلیماتو په رڼا کی عیار کړی او پری نږدی چی په خپلو سهوو او اشتباهاتو د اسلام او جهاد عظمت زیانمن کړی .

په غونډه کی د صدارت مرستیال او دکورنیو چارو وزیر محترم انجنیر احمد شاه « احمدزی» هم د شهیدانو دوارثانو په نماینده گی خبری وکړی .

نخستین گروه...

قرار است تعداد چهارصد نفر از مهاجرین بوسنیا به پاکستان منتقل گردند و برای آنان در مناطق مانسهره و ایبت آباد که هوای سردتر دارد اسکان داده خواهند شد.

حکومت پاکستان تمام مصارف مهاجرین مذکور را تا آنگاه که قصد ماندن در پاکستان را داشته باشند بعهده خواهد گرفت.

هفته نامهء
اتحاد اسلامی
بیانگر آرمان اتحاد اسلامی افغانستان
صاحب امتیاز: اتحاد اسلامی افغانستان
سال تأسیس: عقرب ۱۳٦٤ هـ ش
ناشر: بخش فرهنگی ریاست دعوت و ارشاد
آدرس: کابل - وزیر اکبرخان مینه - روبروی مسجد جامع
آدرس پستی در پشاور:
G.P.O Box (786)
PESHAWAR ~PAKISTAN